



# رمانتیسیسم و فردیت در آثار آندرسن

○ رایکا بامداد



- عنوان کتاب: افسانه‌های دلپذیر
- نویسنده: هانس کریستیان آندرسن
- مترجم: اردشیر نیکپور
- ناشر: انتشارات علمی و فرهنگی
- نوبت چاپ: چهارم، بهار ۱۳۸۲
- شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
- تعداد صفحات: ۱۷۳ صفحه
- بها: ۹۰۰ تومان

پشت نقش الهه‌های مهربان و فرشته‌های نیک سیرت و پدرانی که با عشق به فرزندشان می‌زیند، تصویر خانواده او را دید.

«افسانه‌های دل‌پذیر»، عنوان کتابی است به ترجمه آقای «اردشیر نیک‌پور» که شامل سیزده عنوان از ماندگارترین و مشهورترین افسانه‌های هانس کریستیان آندرسن است که پرداختن به هر کدام، نوشتن مطلبی مستقل را طلب می‌کند. اما بنای این مطلب، مقایسه‌ای است بین جزئیات دو افسانه نخست این مجموعه که دو عنوان از افسانه‌های خوش ساخت و جاودانه آندرسن به حساب می‌آید. صدالبته چنین قیاسی، قابل تعمیم به دیگر افسانه‌های آندرسن نیز هست، اما دلیل انتخاب این دو افسانه که «رفیق راه» و «پری کوچک دریا» نام دارد، یکی این است که این افسانه‌های بلند، عناصر بیشتری از مکتبی که به

نام «اودنسه»ی کشور دانمارک و در خانواده‌ای فقیر به دنیا آمد. پدرش کفشدوز فقیری بود که با همسرش در کلبه‌ای محقر می‌زیستند. اما پدر، خلاف شغل نسبتاً خشنی که داشت، طبیعتی ملایم و شاعر مسلک داشت. شاید به جرأت بتوان گفت نقش شخصیت پدر در آینده تابناک فرزندش، نقشی اساسی بوده است. این پدر بود که از همان دوران کودکی، او را با آثار فاخر و ماندگار ادبیات آشنا کرد. از آثار «مولبرگ» که نمایشنامه‌نویس هموطنش بود، تا داستان‌های «هزار و یک شب» که آندرسن بارها از آن به عنوان یک اثر تأثیرگذار بر ذهن و تخیل خود، یاد کرده است. به هرحال آندرسن علی‌رغم دست و پنجه نرم کردن با فقر، آن‌طور که خود در زندگی‌نامه‌اش یاد کرده، از محبت بی‌دریغ پدر و مادر برخوردار بوده است. با واکاوی آثار این نویسنده، به راحتی می‌توان در

در مورد افسانه‌های زیبا و جاودانه هانس کریستیان آندرسن، زیاد شنیده‌ایم. کودکی هرکدام از ما، با ماندگارترین افسانه‌های آندرسن عجین شده است و بی‌اغراق، کسی را نمی‌توان یافت که در جایی با گوشه‌ای از میراث جاودانه این نویسنده بزرگ دانمارکی، چه به صورت قصه، نمایش و یا فیلم، آشنا نشده باشد.

آندرسن در دوره‌ای پا به عرصه وجود گذاشت که اوج مکتب رمانتیک بود: مکتبی که شکوه، تخیل و رویاپردازی را با رنج و سرنوشت انسان‌ها پیوند داده بود و عجیب این که زندگی بهترین نویسندگان و شعرای آن زمان نیز ترکیبی از همین معجون غریب بود. چنان که زندگی این قصه‌نویس بزرگ دانمارکی نیز خالی از این افسون متضاد رنج و شادی نبود.

آندرسن در سال ۱۸۰۵ میلادی، در شهری به



رمانتی‌سیسم، از این قرار برشمرده شده است:

- ۱- آزادی: «اگر هنرمند به علت فشار جامعه و قوانین اخلاق و یا بر اثر موهومات عقب رانده شود و نیروهای او پنهان و مکتوم بماند، حق دارد که درباره جامعه و قوانین اخلاقی آن داوری کند.»
- ۲- شخصیت: «قبلاً هنرمند کلاسیک برای توصیف «انسان کلی»، قهرمانی را از میان افسانه‌ها و اساطیر برمی‌گزیند، اما هنرمند رمانتیک خویشتن را به جای این قهرمان افسانه‌ای می‌گذارد.»
- ۳- هیجان و احساسات: «باید دانست که در کنار عقل و طبیعت، دل و احساس نیز عالم دیگر و ضروریات دیگر دارد.»
- ۴- گریز و سیاحت: «آزردگی از محیط و زمان موجود و فرار به سوی فضاها یا زمان‌های دیگر و یا دعوت به سفر تاریخی یا جغرافیایی.»
- ۵- کشف و شهود: «هنرمند رمانتیک تخیل و امید و آرزو و معجزه را جانشین حقیقت می‌سازد و بیش از تقلید، پایبند تصور است.»
- ۶- افسون سخن: «کلمه تنها بیان‌کننده یک

تا بتواند در عوض آن، دو پا داشته باشد و با شاهزاده ازدواج کند. اما تقدیر به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد و او در شرایطی قرار می‌گیرد که مجبور است برای نابود نشدن، جان شاهزاده را بگیرد. البته او تصمیم می‌گیرد خودش را نابود کند و در مقابل، خوشبختی را از شاهزاده که معشوق خود را یافته است، نگیرد.

#### خوشبین یا بدبین؟

آندرسن را نویسنده‌ای خوشبین می‌دانند؛ چرا که او در تلخ‌ترین داستان‌هایش هم قهرمانانش را به خوشبختی می‌رساند. اگر چه در پایان داستان، مرگ قهرمان را از پا درمی‌آورد، او در جهان دیگر خوشبخت می‌زید.

در افسانه دوم، پاداش «پری دریایی» در ازای از خودگذشتگی‌اش، در جهان پس از مرگ داده می‌شود. حال این که در افسانه اول، نیک سرانجامی قهرمان در همین دنیا است. در واقع از نظرگاه نویسنده، ما دو نوع پایان خوش داریم که هر دو، محصول یک ایده هستند و آن نیز گذشت و مهربانی و شفقت در برابر دیگران است. می‌توان

آن تعلق دارند، یعنی رمانتی‌سیسم را در خود جای داده‌اند و دوم، چنان که گفتیم، شهرت و ساختار محکم آن‌هاست.

#### رفیق راه

این افسانه، حکایت جوانی است به نام «ژان» که از همان شروع داستان، با اطلاق واژه «بیچاره» از سوی راوی به او، گویای راه‌پرفراز و نشیبی است که در پیش‌رو خواهد داشت. پدر «ژان» در اندک زمانی می‌میرد و او سفری را آغاز می‌کند تا شاید بخت خود را بیابد. در راه، شب را در کلیسایی در کنار یک مُرده می‌گذراند که دو مرد شرور می‌خواهند از آن مُرده طلب‌شان را بگیرند. «ژان»، آن پول را به آن‌ها می‌دهد. روز بعد، هنگامی که از جنگلی می‌گذرد، مردی را می‌بیند که او را «رفیق» می‌نامد و همسفر وی می‌شود. وقتی آن‌ها به شهر می‌رسند، درمی‌یابند که دختر پادشاه این سرزمین، برای خواستگاری‌اش، از هر طبقه‌ای که باشند، سه معما طرح می‌کند که هر کس آن‌ها را حل کند، می‌تواند با او ازدواج کند و هر کس هم نتواند، سرش را از دست می‌دهد. «ژان» نیز که مفتون زیبایی شاهزاده شده است، تصمیم می‌گیرد به خواستگاری او برود.

در این میان، رفیق و همراه «ژان»، شب‌ها در کمین شاهزاده می‌نشیند و متوجه می‌شود که او شب‌ها به سراغ جادوگری در یک کوه بلند می‌رود و این جادوگر است که شاهزاده را طلسم کرده و معماها را برای او طرح می‌کند.

همراه «ژان» هر صبح وقت رفتن «ژان» به قصر، جواب معماها را که شب قبل از آن مطلع می‌شود، به او می‌گوید. «ژان» موفق می‌شود معماها را حل کند، اما چون دخترک طلسم شده‌است، نمی‌تواند او را دوست بدارد. رفیق «ژان» بعد از کشتن جادوگر، این مشکل را نیز با جادوی خود حل می‌کند و ازدواج شاهزاده و «ژان» میسر می‌شود. در انتها وقتی «ژان» می‌خواهد مانع رفتن دوستش از آن شهر بشود، درمی‌یابد که این مُرده همان مُرده‌ای است که «ژان» بدهکاری‌اش را به طلبکاران داده بود و حال که با کمک به «ژان»، دین خود را ادا کرده است، از نظر غیب می‌شود.

### آندرسن در دوره‌ای پا به عرصه وجود گذاشت که اوج مکتب رومانتیک بود:

#### مکتبی که شکوه، تخیل و رویاپردازی را با رنج و سرنوشت انسان‌ها

#### پیوند داده بود و عجیب این که زندگی بهترین نویسندگان و

#### شعرای آن زمان نیز ترکیبی از همین معجون غریب بود.

#### زندگی این قصه نویس بزرگ دانمارکی نیز

#### خالی از این افسون متضاد

#### رنج و شادی نبود

منظور ساده نیست، بلکه برای خود ارزش و اهمیت خاصی دارد و باید متوجه مفهوم خیال‌انگیز و ارزش آهنگ آن بود.»

هرکس که تا به حال اثری از آندرسن خوانده باشد، با نگاهی به رئوس کلی برنامه رمانتیک‌ها، خواهد دید که این رئوس چقدر در آثار آندرسن متبلور و هویداست.

این نکته را در اندیشه‌های مسیحی آندرسن جست‌وجو کرد؛ چراکه نه تنها آندرسن انسانی اخلاق‌گرا و کاملاً مسیحی بود، بلکه مکتب رمانتی‌سیسم نیز مسیحیت و ایمان مذهبی را نیازی روحی و قلبی برمی‌شمرد. چنین اندیشه‌ای در تفکر غالب نویسندگان و شعرای رمانتیک، قابل مشاهده است.

#### آزادی

ابتدا باید تعریف آزادی را از دریچه آثار آندرسن دید، چرا که مثلاً آن آزادی رمانتیکی که نزد ویکتور هوگو معنا داشت، در آثار آندرسن، قدری متفاوت‌تر نمود پیدا می‌کند. اگرچه در تعریف کلی این واژه، همه رمانتیک‌ها از جمله هوگو اشتراک داشتند (آزادی به شکل ادبی آن، یعنی رهایی از

#### اصول رمانتیک‌ها

چنان که گفتیم، آندرسن نویسنده‌ای رومانتیک است با همه ویژگی‌های آن؛ حتی به لحاظ شخصیتی که فردی بسیار حساس با ایمانی مذهبی و خوشبین به سرنوشت بشری است. در کتاب مکتب‌های ادبی، به ترجمه رضا سیدحسینی، شش برنامه اصلی برای تبیین اصول

#### پری کوچک دریا

این افسانه، قصه مشهور «پری» کوچکی است که خیلی کنجکاو است دنیای بیرون از دریا را ببیند و از قضا، وقتی به سطح آب می‌رود، با شاهزاده‌ای برخورد می‌کند که سخت به او دل می‌بندد. «پری کوچک» آن قدر عاشق شاهزاده است که حاضر می‌شود صدایش را به جادوگر بدهد



قید قوانین سخت کلاسیک و همین‌طور آزادی هنر و شخصیت و در بُعد اجتماعی، آزادی از فشار قوانین اجتماعی، با این حال آزادی ویکتور هوگو انقلابی‌تر و شاید بتوان گفت رادیکال‌تر است. درحالی که درک آندرسن از آزادی، لطیف‌تر و شاعرانه‌تر و البته درونی‌تر است.

آندرسن آزادی را بیشتر در حرکت سیال تخیلات و احساسات خویش می‌جوید و آزادی اصلی را که می‌توان ناشی از باورهای مذهبی او دانست، در رهایی از تمنیات و جاودانگی روح می‌یابد. چنان که در «پری کوچک دریا»، وقتی «پری کوچک» نمی‌تواند به آن آزادی و عشقی که در آرزوی آن است، برسد و از طرفی نمی‌تواند برای خوشبختی خود، خوشبختی را از دختر دیگری بگیرد، مرگ را ترجیح می‌دهد. البته نویسنده این انتخاب قهرمان خود را به مثابه انتخاب آزاد و خودآگاهانه‌ای می‌گیرد که پاداش آن در آسمان و نزد «پری‌های هوا» است.

#### شخصیت

بی‌اغراق می‌توان گفت که رمانتیسیسم

است. قهرمانان آندرسن نیز هرگاه که به فردیت خود رجوع می‌کنند، ناگهان خود را در برابر اراده جمعی دیگران می‌بینند و همیشه نیز در این کشاکش پیروز نیستند. اگر «پری دریا» خلاف خواست جامعه کوچک خود به انسان تبدیل می‌شود، در ازای این کار، خود را نابود می‌سازد. اگرچه در انتها و پس از مرگ، سعادتی نصیبش می‌شود که پاداش عبور از خودخواهی و منیت خویش است، بی‌آن که به فردیت او لطمه‌ای وارد شود:

«دختران هوا نیز مانند دختران دریا روح جاودان ندارند، ولی هرگاه رفتارشان خوب باشد، می‌توانند بدون کمک انسان و تنها به پاداش کار نیک‌شان، دارای روح جاودان گردند.»

#### هیجان و احساسات

گفتیم که قهرمانان آندرسن، دارای ویژگی‌های برجسته فردی هستند. البته می‌توان یک خصوصیت متمایز دیگر هم در آنان جست‌وجو کرد و آن، اولویت دادن به احساسات و هیجانات روحی‌شان است. در واقع قهرمانان آندرسن تا

### آندرسن را نویسنده‌ای خوشبین می‌دانند؛

### چرا که او در تلخ‌ترین داستان‌هایش هم قهرمانانش را

### به خوشبختی می‌رساند. اگر چه در پایان داستان،

### مرگ قهرمان را از پا درمی‌آورد، او در جهان دیگر خوشبخت می‌زید

### آندرسن آزادی را بیشتر در حرکت سیال تخیلات و احساسات خویش می‌جوید

### و آزادی اصلی را که می‌توان ناشی از باورهای مذهبی او دانست،

### در رهایی از تمنیات و جاودانگی روح می‌یابد.

لحظه‌ای که درگیر هیجانات عشقی و احساسات این چینی نشده‌اند، معقول و طبیعی رفتار می‌کنند، اما وقتی دچار جذبه‌ای احساسی و شورانگیز می‌شوند، به مانند انسان‌های سودایی مزاج، تنها از احساسات پرشور خود فرمان می‌برند. این هیجانات باعث می‌شود آن‌ها همیشه نگاهی خیال‌پردازانه و آرمان‌گرایانه به خود و به محیط اطراف خود داشته باشند و می‌بینیم که معمولاً چیزی که راهبر قهرمانان آندرسن است، هیجانات و احساسات به خروش آمده آنان است.

#### گریز و سیاحت

به جرأت می‌توان گفت، اکثر مضامین افسانه‌های آندرسن براساس سفر شکل می‌گیرند

که شاید بتوان ریشه آن را در آزرده‌گی از محیط و زمانه موجود یافت؛ چنان که در دو افسانه حاضر نیز چنین است. «ژان» در افسانه «رفیق راه»، بعد از آن که پدرش را از دست می‌دهد، دل آزرده و غمگین، به سفری جغرافیایی، برای پیدا کردن خوشبختی دست می‌زند. در واقع او با مرگ پدر، اولین انگیزه رمانتیک‌ها را که آزرده‌گی از محیط است، در خود می‌بیند و به سفری دست می‌زند تا مدینه فاضله خود را بیابد. قهرمان‌های آندرسن، هرگاه که فردیت خود را درک و کشف می‌کنند تحمل زیستن در اجتماع خود را ندارند و معمولاً این مسئله را با سفر و کشف مرزها و جغرافیاهای تازه، بروز می‌دهند.

#### کشف و شهود

چگونه می‌شود تصور کرد که قهرمان‌های افسانه سرایی رمانتیک، سرانجام به کشف و شهودی اخلاقی و روحی دست نیابند؟ در واقع اگر آزادی، فردیت و سفر و گریز، به کشف و شهود نینجامند، عبث و بیهوده خواهند بود. هنرمند رمانتیک، همیشه از آن‌چه باید باشد، حرف می‌زند و نه آن واقعیت محتومی که از نگاه دیگران اتفاق می‌افتد. همان‌طور که در انتهای افسانه «پری کوچک دریا»، واقعیت از نگاه دیگران، مرگ و نابودی «پری دریا» است، اما آندرسن مخاطب خود را به فراسوی تصورات عامه می‌برد و دنیایی را به تصویر می‌کشد که باید درخور موجودی فداکار و مهربان، مانند پری باشد.

#### افسون سخن

اما این همه، در «کلمه» و در زبان امکان ظهور و بروز پیدا می‌کند. می‌توان گفت، اولین باری که کلمه و زبان یک اثر مفهوم جدی و عمیق پیدا کرد، در نزد رمانتیک‌ها بود که به شکل‌های مختلف، زبان را رسمیتی مستقل بخشیدند.

در آثار آندرسن نیز نثر تغزلی و شاعرانه او، هم‌اوا با تخیلات و احساساتش رشد می‌کند. می‌توان گفت که در افسانه‌های آندرسن، هرگاه که قهرمان‌ها در وضعیتی غیرعادی و فراطبیعی قرار می‌گیرند، شاعرانگی و تلطیف زبانی به اوج خود می‌رسد. هم‌چنین، اول بار که زبان، هم‌اوا با معنا و مضمون اثر شد، نزد رمانتیک‌ها بود. چنان که ویکتور هوگو، با الهام از سطرهای آغازین عهد عتیق می‌گوید: «کلمه عبارت از سخن است و سخن خداست». این مطلب، تبلور آن چیزی است که در زبان و تخیلات روحانی و کودکانه آندرسن رخ می‌دهد.